



کاهش عوامل تقویت کننده فقر گامی بلند به سوی کنترل آسیب‌های اجتماعی

علیرضا رشیدی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۱۲

چکیده:

یکی از مسائل اساسی مورد توجه جوامع مختلف، حذف، کاهش و کنترل عوامل تقویت کننده فقر است. رسیدن به عدالت اجتماعی، مستلزم شناسایی میزان فقر، و عوامل تأثیرگذار بر آن و سپس اتخاذ راهکاری مناسب برای زدودن آن است.

سؤال اساسی مقاله این است که چرا با توجه به تأکید دولت‌ها بر فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمدها و هزینه‌ها، و همچنین کمک‌های مالی نهادها و انجمن‌های رسمی و غیررسمی و نیز پرداخت سوبسید و یارانه‌ها از طرف دولت‌ها و با توجه به آمارهای موجود، تاکنون موفقیت چندانی در جهت حذف و یا کاهش فقر به دست نیامده است. جنگ، خشونت‌های قومی و مذهبی، بلایای طبیعی، کمبود منابع، زیرساخت‌های ضعیف، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی غلط، نبود بازار کار و ... از جمله دلایل بروز فقر در دنیا به حساب می‌آیند. این مقاله ضمن پاسخ‌گویی به سؤال بالا بر این عقیده پافشاری می‌کند که جابه‌جایی درآمدها حتی به سوی آنهایی که قربانی فقر هستند، باعث ریشه‌کنی فقر نمی‌شود؛ بلکه فقط علائم آن را در کوتاه‌مدت از بین می‌برد که این علاج دائمی نیست، فقر به عنوان یک معضل اجتماعی، راه‌حل اجتماعی دارد و آن هم عبارت است از: کاهش و در صورت امکان حذف تقویت کننده‌های اساسی آن؛ که عبارتند از: بی‌سوادی و جهل، بی‌تفاوتی و ناامیدی، توزیع ناعادلانه درآمد، بیماری و سوء تغذیه و وابستگی و فقدان استقلال اقتصادی که هر کدام از آنها به طور جداگانه بررسی و تحلیل می‌شوند.

واژگان کلیدی: فقر، فقرزدایی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، معضل اجتماعی.

مفهوم فقر و مشخصات آن

به طور سنتی مفهوم فقر تنها به ناکافی بودن درآمد اطلاق شده است. با تعیین خط فقر آنهایی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند، فقیر محسوب می‌شوند و اشخاص بالای خط فقر، غیر فقیر. از ابتدای علم اقتصاد، نخستین علمای آن کوشیده‌اند، تعریف گسترده‌ای از فقر ارائه دهند که تنها شامل فقر اقتصادی نشود؛ بلکه فقر در دستیابی به حقوق انسانی و فقر در توسعه ابعاد انسانی و بسیاری از ابعاد دیگر را شامل شود (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

چنانچه نیازهای اساسی فرد، از قبیل آب، غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و آموزش به طور قابل قبولی برآورده نشود، می‌توان آن فرد را فقیر به حساب آورد (Downer, 2001).

درآمد پایین، عدم دسترسی به امکاناتی مانند آموزش، بازار، بهداشت، عدم قدرت تصمیم‌گیری^۱، خدمات اجتماعی، آب، خدمات درمانی^۲، جاده، حمل‌ونقل و ارتباطات در یک جامعه از نشانه‌های فقر به حساب می‌آیند (Phil, 2008).

فقر پدیده اقتصادی و تا حدودی در همه جوامع طبقاتی و چشمگیر است؛ ولی حدود و نسبت آن در جوامع مختلف متفاوت است، زیرا فقر نسبی است و با گرسنگی تفاوت دارد. برای مثال فقر آموزش و فقر فرهنگ که با گرسنگی تفاوت بسیار دارند. ممکن است میزان درآمد متوسط یک خانواده فقیر در یک جامعه مرفه و رشد کرده معادل درآمد یک خانواده متوسط در جامعه دیگر باشد (فرجاد، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است، در دیدگاه سنتی، فقر عبارت است از: محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود (بانک جهانی، ۱۹۹۰).

بانک جهانی مفهوم فقر را به گونه‌ای بسط داده که محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و بهداشت و آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن، بی‌پناهی و بی‌نوایی را نیز در برمی‌گیرد. فقرا بدون برخوردار از آزادی‌های اساسی در انتخاب، عمل و امید به آینده بهتر، زندگی می‌کنند. فقدان غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت، از جمله محرومیت‌هایی است که آنان را از داشتن زندگی مطلوب محروم می‌کند. آنان در مقابل بیماری‌ها، بحران‌های اقتصادی و بلایای طبیعی، آسیب‌پذیرتر از بقیه‌ی

فقر به عنوان یک مشکل اجتماعی، زخمی است عمیق و ریشه‌دار که به تمام زوایای فرهنگ و جامعه نفوذ می‌کند و بر این اساس زدودن آن در دوران‌های مختلف تاریخ، مورد توجه مکاتب فلسفی و مذاهب گوناگون بوده است. از نظر صاحب‌نظران علوم اقتصادی و علوم اجتماعی دو نوع فقر وجود دارد؛ اول فقر مطلق که از طریق خط فقری که به عنوان تأمین حداقل هزینه‌های لازم در زندگی برای کسب رضایت در تأمین غذا، سرپناه، پوشاک، سلامت و بهداشت تعریف می‌شود.

دوم فقر نسبی که در این حالت فرد، حداقل‌ها را داشته، ولی استاندارد و قابل ملاحظه نیست و نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه فقیر محسوب می‌شود. البته در تعریف خط فقر صاحب‌نظران بسیاری بر این باورند که نمی‌توان هرگز با دقت زیاد خط فقر را تعریف و بر سر آن اجماع کرد؛ زیرا فقر را نمی‌توان فقط بر حسب کمبود منابع مالی و مادی تعریف کرد. فقر را به مثابه یک مفهوم و نیز به عنوان یک واقعیت زنده باید به صورت رابطه‌ای اجتماعی درک کرد. مطالعات علمی بسیاری نشان داده است که ریشه‌ی اصلی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه همچون اعتیاد، سرقت، فساد، ارتشاء، طلاق، امراض روانی و ... فقر است. و از عوامل مهم تقویت‌کننده فقر نیز می‌توان به جهل و بی‌سوادی، توزیع ناعادلانه درآمدها و هزینه‌ها، ناامیدی و بی‌تفاوتی، بیماری و سوء تغذیه و وابستگی و بیکاری، اشاره کرد. نسبت غالب در علم اقتصاد توجه خود را معطوف به متغیرهایی همچون تولید ناخالص ملی^۱ یا ثروت ملی می‌کند بدون توجه به اینکه چگونه این منابع توزیع می‌شوند و تأثیر آن بر زندگی آحاد انسانی چیست؟

این درست است که وفور ثروت دارای اهمیت است؛ اما این رویکرد از آن جایی که از عوامل مهم دیگری که به رفاه و آزادی انسان کمک می‌کند، همچون بهداشت عمومی، آموزش و تعلیم و تربیت همگانی غفلت می‌ورزند، ناقص و عقیم است و از آنجایی که تنها به حداکثر کردن ثروت تأکید دارد - بدون توجه به اینکه چگونه توزیع می‌شود - یک غفلت جدی از مردم به نفع تراکم ثروت در اختیار معدودی به وجود می‌آید که می‌تواند به نوبه‌ی خود به محرومیت تعدادی از مردم منجر شود (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

1. Gross Domestic Product (GDP)

2. Lack Of Decision Making

3. Health Care

است. مدارک موجود دلالت بر آن دارد که در کشورهای در حال توسعه، افراد با سطح سواد بالاتر دارای درآمد فردی بیشتر، امکان اشتغال بیشتر در بازار شهری، بهره‌وری کشاورزی بالاتر، نرخ باروری کمتر، بهداشت بهتر، وضعیت تغذیه مناسب‌تر و بینش برتر خواهند بود. همه این موارد خود از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی به‌شمار می‌آیند.

ژجان سون^۵ و همکارانش در مطالعاتی که در خصوص رابطه دانش و مهارت و فقر داشته‌اند، اظهار می‌دارند که مدارک مستدل و محکمی دال بر رابطه دانش، آموزش و مهارت با فقر وجود دارد. آنان معتقدند که در حدود ۴۰ درصد از افراد فقیر یا آثانی که درآمد کمی در دهه ۷۰ در انگلستان داشته‌اند، از آموزش لازم و مهارت‌های بازار کار بی‌بهره بوده‌اند. (Brown and lauder, 2001).

دسترسی به شغل اصلاح قلم به کسب مهارت شغلی بستگی دارد. در آلمان ساختار یک شغل و حرفه از طریق خط‌مشی ملی براساس مذاکرات سه‌جانبه بین اتحادیه کارگران^۶ و نمایندگان کارفرماها و دولت تعیین می‌شود. در نتیجه هر کس حق دارد وارد نظام کارآموزی شده تا برای شغل خاصی آماده شود. ساختار نظام کارآموزی به طریقی عمل می‌کند که دانش اساسی را به کارآموزان منتقل می‌کند (Brown and lauder, 2001).

نخستین فایده اقتصادی آموزش در این است که ظرفیت فرد در تولید کالا و خدمات و قدرت ایجاد درآمدی وی را افزایش می‌دهد. هر اندازه فرد و جامعه به میزان بیشتری در آموزش افراد سرمایه‌گذاری کنند، در حقیقت بیش از پیش به‌سمت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کوشیده‌اند. مهم‌ترین عاملی که موجب شده دولت‌ها در آموزش و پرورش جوانان سرمایه‌گذاری کنند، این است که آموزش نیروی انسانی، جامعه را توانمند و دانا می‌سازد (عمادزاده، ۱۳۸۰: ۷۰).

کسب مهارت و دانش نه تنها برای فرد، بلکه برای جامعه بسیار مفید است، به این معنی که آموزش فردی، بازتاب‌ها و پیامدهای متنوع اجتماعی به دنبال دارد. فردی که آموزش می‌بیند، نه تنها خود از توانایی‌ها و کفایت‌های قابل توجهی برخوردار می‌شود؛ بلکه وجود اطلاعات و دانش او در محیط منزل

مردم‌اند (بانک جهانی، ۲۰۰۱-۲۰۰۰، هادی زور، ۱۳۸۴: ۱۶۹). بنابراین در هر جامعه فقر را می‌توان از روی مشخصات و علامت‌های متعددی چون درآمد کم، تعلیم و تربیت ناقص، درصد غیر ماهر در نیروی کار، زندگی در خانه‌های نامناسب و درصد بچه‌ها در خانواده‌های از هم گسیخته را می‌توان ملاک شناخت فقر دانست. چنین علامت‌ها و مشخصه‌ها این امکان را به‌وجود می‌آورد که خصوصیات خانواده‌هایی را که در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند با آنهایی که در قسمت‌های غیر فقیرنشین مناطق اصلی زندگی می‌کنند مقایسه کرده و به نسبت فقر پی برد.

اغلب فقرا ویژگی‌هایی برجسته‌ای دارند که آنها را از غیر فقرا متمایز می‌کند، این ویژگی‌ها ممکن است در نحوه تفکر آنها باشد. به این معنا که تنبل‌اند، رخوت دارند و از کار می‌گریزند، یا در توانایی‌ها و ظرفیت‌های آنها، برای مثال نتوانند برنامه‌ریزی مالی کنند و یا ممکن است در تعاملات اجتماعی^۱ آنها باشد، به‌طوری که نمی‌دانند چگونه سخت کوش باشند و یا صرفه‌جویی و قناعت کنند (Anderson, 1991: 27).

عوامل و دلایل ایجاد فقر

جنگ، خشونت‌های قومی و مذهبی، بلایای طبیعی، کمبود منابع، زیرساخت‌های ضعیف، سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی غلط، نبود بازار کار و ... از جمله دلایل بروز فقر در دنیا به حساب می‌آیند؛ اما عوامل دیگری که بی‌ارتباط با عوامل بالا نیستند، وجود دارد که می‌توان آنها را از مهم‌ترین دلایل و عوامل تقویت‌کننده فقر دانست، عواملی از قبیل جهالت و نادانی، آموزش و پرورش ضعیف، رخوت، بی‌تفاوتی و ناامیدی مردم، توزیع ناعادلانه درآمد، بیماری‌ها و سوء تغذیه، وابستگی و فقدان استقلال اقتصادی، که در ادامه به بررسی و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۱. جهل و نادانی^۲ (فقدان دانش و مهارت)

جهالت و نادانی عبارت است از: عدم وجود اطلاعات، معلومات و دانش. به عقیده فیل بارتلی^۳ (۲۰۰۸)، «دانش قدرت است»^۴. شواهد و دلایل گوناگون آثار مثبت آموزش را در کاهش فقر و تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی انکارناپذیر ساخته

1. Social Association
2. Ignorance
3. Phil Bartle

4. Knowledge Is Power
5. Johnson
6. Trade Union

بررسی در مناطق شهری ایران، ۱۲/۶ درصد «بی‌سوادی» ۱/۴ درصد قادر به «خواندن و نوشتن»، ۲۲/۸ درصد دارای «تحصیلات ابتدایی»، ۴۸/۴ درصد دارای «تحصیلات راهنمایی و متوسطه» و ۱۴/۸ درصد دارای «تحصیلات دانشگاهی» بوده‌اند.

براساس نتایج این بررسی درصد افراد قادر به خواندن و نوشتن و با تحصیلات راهنمایی و متوسطه در مقایسه با سال ۱۳۸۴ کاهش و درصد افراد بی‌سواد با تحصیلات ابتدایی و دانشگاهی افزایش داشته است (جدول ۱). تحصیلات دینی برحسب مورد، بین تحصیلات راهنمایی و متوسطه و دانشگاهی توزیع شده است.

با نگاهی دقیق به اطلاعات ارائه شده از طرف بانک مرکزی در خصوص میزان سواد، به نظر می‌رسد دست‌یابی به اهداف توسعه هزاره^۱ تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) که به طور قوی مورد تأکید و به امضاء رهبران ۱۹۸ کشور، از جمله کشور ایران نیز رسیده است، تا حدود زیادی با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

«اهداف توسعه هزاره در مورد یک سلسله اهداف زمان‌بندی شده و قابل اندازه‌گیری شامل مبارزه با فقر و گرسنگی، بیماری‌ها، بی‌سوادی، تخریب محیط زیست و نابرابری جنسیتی و نیز ایجاد یک مشارکت جهانی برای توسعه می‌باشد (راغفر، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

۲. توزیع ناعادلانه درآمد

زمانی که منابع موجودی - که قرار است برای خدمات و امکانات رفاهی و اجتماعی به کار بروند - به سوی دهک‌های خاص که نفوذ و قدرت بیشتری دارند، سرازیر می‌شود، خطرناک‌تر از، نابودشدن اصول اخلاقی در جامعه است. اغلب موج درآمدها و هزینه‌ها به‌سوی صاحبان ثروت^۲ سرازیر است و لذتی که از چپاول دارایی‌های مردم نصیب این افراد می‌شود، خیلی گسترده‌تر از فقری است که گریبان‌گیر مردم می‌شود.

در گزارش بانک جهانی که درباره اختلاف طبقاتی در ایران منتشر شده نیز این چنین آمده است: نزدیک به نیمی از کل مصرف و درآمد ایران به دو دهک بالای درآمدی این کشور که طبقه ثروتمند را شامل می‌شود تعلق دارد. دهک اول بالای درآمدی ایران که ۱۰ درصد جمعیت ثروتمند ایران را شامل می‌شود، بیش از ۳۳/۷ درصد کل درآمد و مصرف را به‌خود

و محیط کار و به‌طور کلی در جامعه آثار بسیار گسترده‌ای دارد. فردی که در کسب مهارت‌ها و اطلاعات کوشا و به مبانی علمی آشناست، بی‌شک قادر است که کالا و خدمات بیشتری را تولید و به جامعه ارائه دهد. چنین فردی قدرت تولیدی بیشتری دارد و قادر است در واحد زمان محصولات بیشتری را ایجاد کند. افراد دانا و تحصیل‌کرده خالق ارزش‌های بیشتری هستند، درآمد بالاتری را ایجاد می‌کنند و با رشد تولید ملی به رشد اقتصادی جامعه دامن می‌زنند.

در جوامع در حال توسعه با بالا رفتن سطح دانش و دانایی مردم، امکان گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی تسهیل و تسریع خواهد شد و افراد در پذیرش تکنولوژی‌های نوین و ارزش‌های تازه منعطف‌تر خواهند بود. انتقال تکنولوژی - که یکی از محورهای اساسی توسعه صنعتی است - بیشتر با تلاش و کوشش افراد تحصیل‌کرده، تحقق می‌یابد. امروزه توسعه کشورهای جهان سوم وابسته به سرعت انتقال تکنولوژی است و انتقال تکنولوژی مستلزم داشتن افراد تحصیل‌کرده بیشتر، با تخصص‌های متنوع است (مانس‌فیلد،^۱ ۱۹۸۲ و عمادزاده، ۱۳۸۰).

آموزش و کارآموزی و ساختارهای بازار کار به پیدایش مهارت می‌انجامد. اگر نسبت بزرگی از نیروی کار از کسب مهارت‌ها محروم شده و احساس ناامنی کنند و یا احساس کنند که در اقتصاد^۲ به عنوان اهرم‌های تعادل از آنها استفاده می‌شود و در خلال رکود اقتصادی اخراج می‌شوند، به احتمال زیاد به‌خوبی عمل نمی‌کنند و از این طریق شرایط ساختاری برای چرخه‌های مداوم فقر ایجاد می‌شود (Brown And Lauder, 2001).

مارسون و واک تر^۳ (۱۹۹۸) اظهار می‌دارند: اگرچه آلمان از نظر تکنولوژی تولید کالا نسبت به انگلستان برتری دارد ولی در مورد صنایع الکترونیکی پیشرفته چنین نیست، آنان دریافته‌اند که موفقیت نسبی این دو کشور در این دو زمینه به دلیل سطوح انتقال مهارت و دانش آکادمیک است.

بررسی‌های انجام شده به‌وسیله بانک مرکزی در خصوص توزیع افراد شش ساله و بیشتر خانوارها برحسب میزان سواد در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶ دلالت بر این دارد که در سال مورد

1. Mans Field

2. Shouk Absorbers

3. Marson and Waqner

4. (Millenium Development Goals).(MDG)

5. Trust

جدول ۱. درصد توزیع افراد شش ساله و بیشتر خانوارها بر حسب میزان سواد طی سال های ۱۳۷۶-۱۳۸۵

سال	مردان	زنان	تجمیلات خانوارها	تجمیلات خانوارها	تجمیلات خانوارها
۱۳۷۶	۱۰۰/۰	۱۶/۶	۱/۴	۳۰/۶	۴۴/۴
۱۳۷۷	۱۰۰/۰	۱۵/۶	۱/۴	۳۰/۶	۴۴/۴
۱۳۷۸	۱۰۰/۰	۱۵/۰	۱/۶	۲۸/۶	۴۶/۸
۱۳۷۹	۱۰۰/۰	۱۵/۰	۱/۴	۲۷/۶	۴۷/۶
۱۳۸۰	۱۰۰/۰	۱۴/۶	۱/۸	۲۵/۸	۴۸/۴
۱۳۸۱	۱۰۰/۰	۱۵/۰	۱/۵	۲۷/۸	۴۸/۴
۱۳۸۲	۱۰۰/۰	۱۵/۰	۱/۹	۲۳/۵	۴۸/۹
۱۳۸۳	۱۰۰/۰	۱۶/۸	۱/۵	۲۳/۶	۴۹/۴
۱۳۸۴	۱۰۰/۰	۱۲/۵	۱/۶	۲۲/۷	۴۹/۴
۱۳۸۵	۱۰۰/۰	۱۲/۶	۱/۴	۲۲/۸	۴۹/۴

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، تهران، آذر، ۱۳۸۶.

جدول ۲. توزیع درآمد پولی بین گروه های ده گانه و پنج گانه بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۷۰ در ایران

طبقه بندی خانوارها بر اساس درآمد	درصد کل درآمد	پنج گانه	طبقه بندی خانوارها بر اساس درآمد (دهک)
۱۰ درصد اول (ثروتمندان)	۱/۳۳	۲۲/۶	۱۰ درصد اول (ثروتمندان)
۲۰ درصد دوم	۹/۳۵		۱۰ درصد سوم
۳۰ درصد سوم			۱۰ درصد چهارم
۴۰ درصد چهارم			۱۰ درصد پنجم
۵۰ درصد پنجم			۱۰ درصد ششم
۶۰ درصد ششم			۱۰ درصد هفتم
۷۰ درصد هفتم			۱۰ درصد هشتم
۸۰ درصد هشتم			۱۰ درصد نهم
۹۰ درصد نهم			۱۰ درصد دهم

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، «گزارشی در زمینه شاخص های نابرابری توزیع درآمد در ایران سال های ۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰»، دفتر حساب های اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، تهران، اسفندماه ۱۳۷۱: ۵۰.

جدول ۳. توزیع درآمد پولی بین گروه‌های ده‌گانه و پنج‌گانه بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۸۵ در ایران

طبقه‌بندی خانوارها براساس درآمد (دهک)	درصد کل درآمد	پنج‌گانه	طبقه‌بندی خانوارها براساس درآمد
۱۰ درصد اول (فقرترین خانوارها)	۲٪	۵/۸	۲۰ درصد اول (فقرترین خانوارها)
۱۰ درصد دوم			۲۰ درصد سوم
۱۰ درصد سوم		۱۴/۱	۲۰ درصد چهارم
۱۰ درصد چهارم			۲۰ درصد پنجم
۱۰ درصد پنجم		۲۱/۵	۲۰ درصد ششم
۱۰ درصد ششم			۲۰ درصد هفتم
۱۰ درصد هفتم		۵۰٪	۲۰ درصد هشتم
۱۰ درصد هشتم			۲۰ درصد نهم
۱۰ درصد نهم			۲۰ درصد دهم
۱۰ درصد دهم (ثروتمندترین خانوارها)	۳۳٪		

مأخذ: بانک جهانی

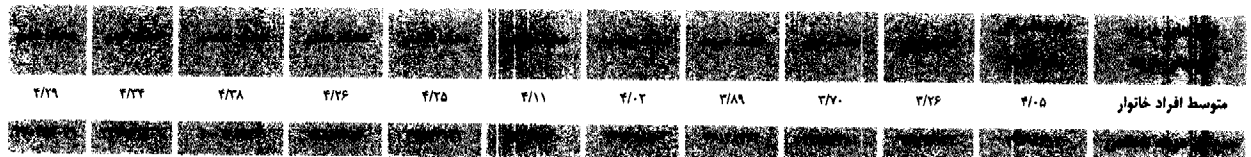
چندانی نداشته است. به گزارش بانک مرکزی هزینه سالیانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۹۶۹۵ هزارریال (ماهانه حدود ۶۶۴۱ هزارریال) که نسبت به سال ۱۳۸۴ حدود ۱۵/۹ درصد افزایش داشته است. همچنین در سال ۱۳۸۵ متوسط درآمد ناخالص پولی و غیرپولی سالیانه یک خانوار شهری حدود ۷۷۵۵۴ هزارریال (ماهانه حدود ۶۴۶۲ هزارریال) بود که در مقایسه با سال قبل افزایشی معادل ۱۶/۶ درصد را نشان می‌دهد. دهک‌های هشتم، نهم و دهم، بیش از ۵۰ درصد کل هزینه‌ها و سرانه درآمد کشور را در اختیار دارند، در حالی که دهک اول تنها از کل سهم درآمد هزینه‌ای کشور تنها ۲ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. جدول ۴، متوسط هزینه ناخالص سالیانه یک خانوار به تفکیک گروه‌های مختلف هزینه در دهک‌های هزینه در سال ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

نمودار ۱ نیز منحنی لورنز، نمایان‌گر توزیع درآمدهای پولی کشور بین خانوارها، را در سال ۱۳۸۵، نشان می‌دهد. یکی از معیارهای اندازه‌گیری میزان نابرابری درآمدها،

اختصاص می‌دهد، در حالی که اولین دهک پایین درآمدی ایران شامل ۱۰ درصد فقیرترین مردم کشور می‌شود، تنها ۲ درصد مصرف را به خود اختصاص داده‌اند. دو دهک پایین درآمدی ایران که شامل جمعیت ۲۰ درصد اقشار فقیر جامعه می‌شود، تنها ۵/۸ درصد درآمد و مصرف را کسب می‌کنند؛ اما دهک‌های سوم و چهارم درآمدی ایران که در وضعیت بهتری نسبت به دهک‌های اول و دوم قرار دارند، ۹/۴ درصد کل درآمد و مصرف را در کشور به خود اختصاص می‌دهند. دهک‌های پنجم و ششم درآمدی که قشر متوسط جامعه را شامل می‌شود، ۱۴/۱ درصد کل درآمد و مصرف را کسب می‌کنند، دهک‌های هفتم و هشتم درآمدی ایران که بالاتر از قشر متوسط جامعه قرار دارند ۲۱/۵ درصد کل مصرف و درآمد را در ایران به خود اختصاص داده‌اند. جدول ۳ و ۲، نحوه توزیع درآمد بین خانوارهای کشور را در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

براساس آمارهای موجود سهم درآمدی دهک‌های اول و دوم در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۹، ۴/۱ درصد و اکنون ۵/۸ درصد است. سهم درآمدی دهک‌های دیگر نیز نسبت به سال ۱۳۷۰ تفاوت

جدول ۴: متوسط هزینه ناخالص سالیانه یک خانوار به تفکیک گروه‌های مختلف هزینه در دهک‌های هزینه در سال ۱۳۸۵



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، تهران، آذرماه ۱۳۸۶.

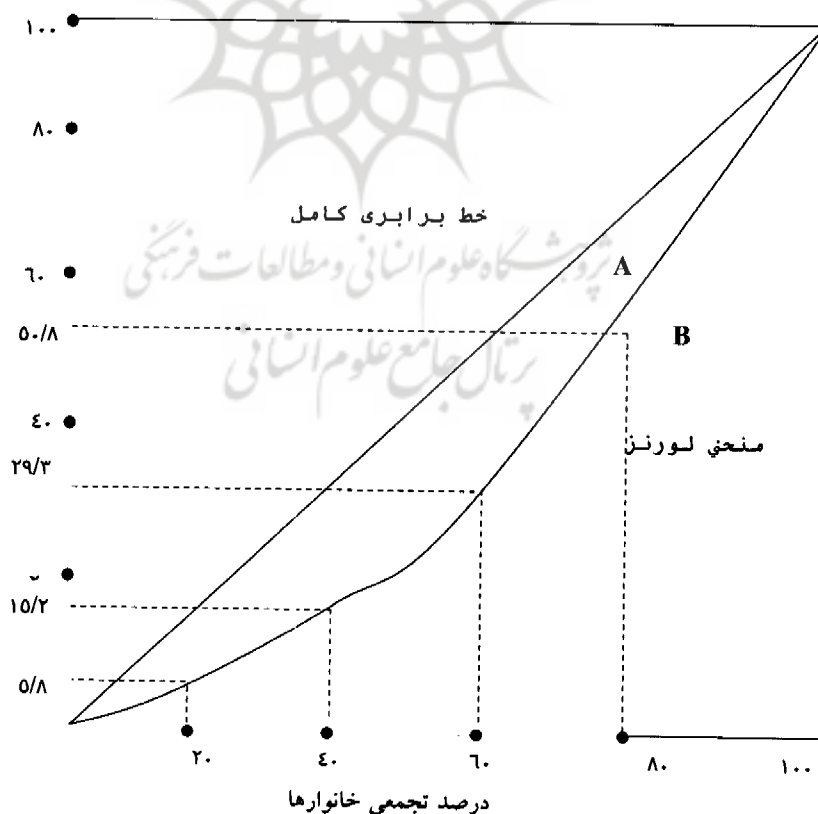
۲. بی‌تفاوتی و ناامیدی^۱

«ضریب جینی» است. ضریب جینی حاصل نسبت سطح A به سطح A+B و یا کل مثلث زیر خط برابری کامل است. در کشورهای در حال توسعه که توزیع درآمدها از نابرابری بیشتری برخوردار است، ضریب جینی بین ۰/۴ تا ۰/۵ و در جوامع توسعه‌یافته که درآمد به‌طور نسبی توزیع بهتری دارد، این ضریب بین ۰/۳ تا ۰/۴ است. در ایران، ضریب جینی در گذشته حدود ۰/۴۵ بود، اما اکنون این ضریب به حدود ۰/۴ تنزل یافته و تا حدودی نمایان‌گر بهبود نسبی وضعیت توزیع درآمدهای پولی در کشور است (عمادزاده، ۱۳۸۰: ۲۷۹ و آهوپی، ۱۳۷۳: ۹۱-۷۰).

بی‌تفاوتی عبارت است از: بی‌توجهی مردم یا اینکه مردم احساس کنند قدرتی ندارند تا چیزها را عوض کنند یا اشتباهات را تصحیح و یا شرایط را بهتر کنند. احساس مردم از اینکه نمی‌توانند کاری را انجام دهند، خود می‌تواند عامل مهم فقر و عقب‌ماندگی باشد.

تجربه کشورهای پیشرفته نشان داده است که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند عمل کنند؛ بلکه میزان مشارکت آگاهانه و نقادانه و احساس مسئولیت مردم در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها

نمودار ۱. منحنی لورنز برای توزیع درآمدهای پولی خانوارها در سال ۱۳۸۵



حفظ عزت نفس انسان‌ها تنها از طریق جلوگیری از تنزل مقام انسانی به اشیاء و کالایی شدن کیفیات اساسی هویت انسانی امکان‌پذیر است (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۶۵).

پیل (۲۰۰۸)، بر این عقیده است که نوعی دیگر از فقر وجود دارد که خطر آن بیش از فقر مادی است، و آن فقر روحی^۴ است و از علائم آن این است که افراد جامعه به ناامیدی، بی‌حوصلگی، بی‌تفاوتی و بی‌تعاملی معتقد و آن را به همدیگر منتقل کنند.

۴. بیماری و سوء تغذیه^۵

بیماری و سوء تغذیه دو عامل مهم ایجاد فقر در جوامع مختلف است. عبارت عقل سالم در بدن سالم، تعبیری است کوتاه؛ اما توصیف کاملی است از یک واقعیت در این جهانی که ما زندگی می‌کنیم. وقتی میزان بیماری اجتماع بالا باشد، فقدان‌ها^۶ نیز بیشتر، خلاقیت کمتر و دارایی نیز کم خواهد شد، به علاوه اندوه و مرگ نیز نتایج دیگر آن هستند. سلامت به افراد کمک می‌کند تا بتوانند فقر را در جامعه ریشه‌کن کنند و در اینجا نیز پیشگیری بهتر از درمان است (Phil, Bartle, 2008).

چنانچه مردم یک جامعه سالم‌تر باشند اقتصاد آن جامعه نیز سالم‌تر خواهد بود، زیرا از یک طرف به‌طور نسبی هزینه‌های درمان و سوسید دارو کمتر خواهد شد و از طرف دیگر، افراد روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های بیشتری به کار اشتغال خواهد داشت و در نتیجه بهره‌وری عامل کار افزون خواهد شد.

سیر تاریخیچه تغذیه در تمدن‌های پیشین تا به امروز نشان می‌دهد که مردم برای تغذیه اهمیت زیادی قائل بودند، در حفاری‌هایی که در بعضی از نقاط ایران مانند شوشتر، دامغان، تخت جمشید و تپه سیلک کاشان به عمل آمده نشان می‌دهد که تاریخ کشاورزی در ایران متجاوز از ۴۰۰۰ سال است. مردم یونان باستان نیز برای تغذیه اهمیت زیادی قائل بودند و این جمله به آنان منسوب است که: «برای تقویت روح هرگز جسم را نباید فراموش کرد و باید مردم را با ورزش و غذای مناسب تربیت کرد»، همچنین در مصر و روم قدیم، مردم کشاورزی می‌کردند و از غلات، بقولات و میوه و بعضی از انواع سبزی‌ها تغذیه

نقش بسزایی دارد. مشارکت و احساس مسئولیت مردم در برنامه آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... می‌تواند مهارت‌های عقلانی و اجتماعی لازم را به مردم بدهد که با بررسی آگاهی‌ها و معرفت‌های حاصل، نگرش‌های مطلوبی به مسائل و پدیده‌های اجتماعی پیدا کنند. به‌علاوه در سایه این احساس، روابط اجتماعی، روح همکاری و همدلی در آنها تقویت خواهد شد که همه آنها برای درک مشارکت‌های اجتماعی و شکل‌گیری رفتار مشارکتی حیاتی است.

استاینر^۱ (۱۹۶۴)، معتقد است در صحنه بودن و احساس امید و سرزندگی^۲ حالت درونی فرد است و رفتاری را در وی به‌وجود می‌آورد تا رسیدن به هدف مشخصی ممکن شود. وین ماندی^۳ و همکارانش (۱۹۸۸)، امید و حوصله را عبارت از اشتیاق و علاقه نسبت به انجام فعالیت‌هایی می‌دانند که برای هدف‌های مورد نظر لازم است.

فقر محصول ساختار قدرت و نظام اجتماعی است. به‌منظور تضمین موفقیت سیاست فقرزدایی، باید تغییرات اساسی در بینش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاستی همراه با اصلاحات در ساختار سیاسی صورت پذیرد. در این اصلاح بینشی، فقرا به عنوان قربانیان نظام اجتماعی ارزیابی می‌شوند و از این‌رو دسترسی همه افراد جامعه به حداقل نیازهای اساسی یک حق همگانی در نظر گرفته می‌شود که تأمین این حق به عهده دولت‌هاست. به فقرا به عنوان افراد فعالی نگریسته می‌شود که باید در فرایند فقرزدایی خودشان شرکت داده شوند. از جمله فعالیت‌های اساسی دولت‌ها ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی جامعه است، به نحوی که محرومین جامعه نسبت به حقوق اجتماعی و انسانی خود به‌طور کامل هوشیار شوند و نسبت به حفظ حریم حقوق فردی خود حساس شوند. گفتمان‌های حاکم باید به‌نحوی سامان یابند که عزت نفس همه آحاد جامعه به صورت یک پیکر واحد حفظ شود و از تقسیم‌بندی‌های متعارف گفتمان‌های حاکم در مورد «غیر فقرا» و «فقرا» یا «ما» و «دیگران» پرهیز شود. تغییر ارزش‌های اجتماعی به نحوی صورت گیرد که حقوق انسان‌ها به میزان مالکیت آنها و برخورداری از قدرت و ثروت بستگی نداشته باشد.

1. Steiner
2. Esperance And Frolicsome Lively
3. Wayne Mondy, et al:354

4. Spiritual Poverty
5. Disease And Malnutrition
6. Absentecism

نلسون در پژوهشی با عنوان فقر، مشکلات اجتماعی و بیماری‌های شدید روحی، به این نتیجه رسیده است که بیماری‌های روحی لاعلاج تا حدود زیادی به صورت مستقیم با فقر در ارتباط است، وی همچنین عقیده دارد که بی‌خانمانی^۱، بیکاری^۲، زندانی شدن^۳ و بیماری پارانوئید با هم در ارتباط هستند (Nelson, 2002 : 573).

درین و همکارانش نیز شواهدی ارائه کرده‌اند که در آن عواملی مانند فقر، عدم دسترسی به مسکن ارزان و نداشتن امکانات مناسب زندگی باعث ظهور بیماری‌های روانی می‌شوند تا عوامل دیگر روانی (Draine And Colleayues , 2002 : 573- 565).

سی ورسون و لیبرمن، معتقدند که نباید برای بیماران روانی تنها رویکرد دارو درمانی داشت. مشکلات روانی بیشتر زاینده مشکلات اجتماعی است، بنابراین برای حل مشکلات اجتماعی باید وقت و هزینه کافی اختصاص داد. (Severson And Lieberman , 2002 : 507) از یافته‌های گرفته شده چنین نتیجه گرفته می‌شود که بیماری و سوء تغذیه و عدم دسترسی به غذاهای بالا از نظر محتوایی یعنی ویتامین‌ها، پروتئین‌ها، کربوهیدرات‌ها و چربی‌ها و همچنین عدم مراقبت‌های بهداشتی، عامل‌های اصلی فقرزا هستند؛ زیرا وجود آنها موجب ضعف و اختلال در رشد وزن و قد، همچنین اختلال در رفتار، بیقراری و اضطراب، بی‌علاقگی و کاهش توجه به اجتماع را به دنبال دارد. به علاوه براساس آمارهای موجود هزینه‌های درمانی و دارویی، سالی ۱/۵ میلیون ایرانی را به زیر خط فقر می‌کشاند.

۵. وابستگی^۴ (فقدان استقلال اقتصادی)

وابستگی عبارت است از: اتکاء به دریافت یارانه‌ها، اعانات و صدقات. ممکن است اعانات و کمک‌های خیریه و بشردوستانه در کوتاه‌مدت و در شرایط اضطراری برای زندگی بعضی افراد لازم باشد، اما در بلندمدت می‌تواند باعث رخوت و سستی افراد شده و ایجاد فقر کند. در اروپا جنگ جهانی اول و دوم سبب ایجاد فقر شد، مردم در آن شرایط با درآمد خیریه‌ها زندگی می‌کردند؛ اما بعد از جنگ توانستند با سرمایه‌گذاری بر روی

می‌کردند. غلات و حبوبات غذای اصلی آنها را تشکیل می‌داد. امروزه نیز تغذیه از ابعاد بسیار مهم بهداشت عمومی به حساب می‌آید و هدف آن فراهم کردن شرایط جسمی و روانی لازم از نظر رشد و تکوین ارگانیسم، تحرک و کارایی انسان‌ها در زندگی اجتماعی است. شکی نیست که بیماری و سوء تغذیه در میان فقرا بسیار معمول است. در هر کودک کمبود ویتامین و مواد معدنی، بیماری‌های استخوان، وجود بیماری‌های باکتری و پارازیتی و کم‌خونی شدید که منجر به از دست دادن انرژی و قدرت ادامه دادن یک زندگی عمومی و فعال می‌شود، بیماری‌های قلبی و ریه - که احتیاج به جراحی دارند، ولی بدون شناخت و معالجه باقی مانده‌اند - بیماری‌های صرع و دیگر اختلالات روانی، بیماری‌های کلیوی که مسلماً اگر بچه‌هایی به غیر از آنها بدین بیماری مبتلا بودند فوری بستری می‌شدند (فرجاد، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

منتظری‌فر و همکاران (۱۳۸۲)، در مطالعه خود با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سوء تغذیه در کودکان زیر ۵ سال مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر زاهدان نشان داده‌اند که سوء تغذیه در دختران بیشتر از پسران (به ترتیب ۶۰/۱ در برابر ۳۹/۹ درصد) و در سنین ۶-۲۴ ماهگی بیشتر از سایر سنین است.

پدرام و زندیان (۱۳۸۲) نیز با مطالعه ۴۰۰ پرونده بیماران مراجعه‌کننده به مرکز تحقیقات تالاسمی و هموگلوبینوپاتی در استان خوزستان، چنین اظهار داشتند: ۳۹۲ نفر مبتلا به کم‌خونی فقر آهن بوده که معادل ۹۸ درصد موارد بوده است و از نظر سن در این مبتلایان سن بعد از بلوغ با ۷۳ درصد و سن ۱-۴ سال ۲۲ درصد و بقیه سنین ۵ درصد موارد را شامل بوده است. براساس آمار انسیتوی تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی ایران، بیش از ۵ درصد مرگ و میر کودکان در کشور از سوء تغذیه ناشی می‌شود. ۱۰ درصد کودکان رده سنی زیر پنج سال دچار سوء تغذیه ناشی از کمبود پروتئین و انرژی هستند و ۳۰ درصد کودکان ۶ ساله و نوجوانان ۱۵-۱۹ ساله نیز کمبود روی دارند. ۱۵-۲۰ درصد مردم ایران در گروه‌های مختلف سنی نیز از نظر دریافت آهن مشکل داشته و به کم‌خونی ناشی از فقر آهن مبتلا هستند.

1. Home Less ness
2. Unemployment

3. Prison
4. Dependency

واحدهای کوچک و بزرگ صنعتی، سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش مالیات‌ها، افزایش سود بازرگانی بر واردات کالا و ... بیکاری را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. اشتغال تابع مستقیمی است از سیاست‌ها و ارزش‌های جامعه، هر جامعه‌ای برنامه‌ریزی منسجم‌تری داشته باشد، ظرفیت اشتغال‌زایی آن بیشتر خواهد بود و می‌توان انتظار داشت به اشتغال کامل برسد. در سایه ارتقای ظرفیت‌های انسانی و کسب مهارت و ایجاد کار و حرفه است که فرد احساس عزت نفس و یک زندگی شرافتمندانه را خواهد داشت.

کوهن و اسکولر^۴ (۱۹۸۳)، در مطالعات خود نشان داده‌اند که «شغل ارزش‌های فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رابطه‌ای قوی و محکم با ادراکات روانی افراد دارد. در نتیجه کار و دستمزد بالا است که افراد موانع روانی - اجتماعی^۵ را که مانع بردن سطح مهارت‌هایشان می‌شود را کنار می‌گذارند (HuGh, 2001 : 197). فیلیپس^۶ (۱۹۹۱)، معتقد است که ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهم‌ترین عامل برای ریشه‌کنی و مبارزه با جرم می‌باشد (رضا وفایی و عاقلی، ۱۳۸۶ : ۴۰).

بیکاری یکی از متغیرهای مهم مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی در جهان است، در تمام کشورها تلاش فراوانی برای کاهش نرخ بیکاری به عمل می‌آید. «تا زمانی که کسی در یک شغل مشغول به کار باشد به عنوان بخشی از یک ساختار اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، (رضا وفایی و عاقلی، ۱۳۸۶: ۴۱). فرد بیکار اغلب به عنوان یک «شخص ناتوان در جامعه» یا «یک شهروند طبقه پایین» (درجه دوم) اطلاق می‌شود (رضا وفایی و عاقلی، ۱۳۸۶).

صاحب‌نظران بسیاری بر این باورند که تلاش برای اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری، نه تنها به خاطر زشتی بیکاری است؛ بلکه به خاطر این است که فرد بیکار مستعد ارتکاب بیشتر جرائم و اعمال غیرانسانی نیز می‌باشد. بنابراین به خاطر اهمیت کار و استقلال مالی است که قانون‌گذار به هر کسی این حق را می‌دهد که شغلی را که بدان علاقه‌مند است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت و نظام سیاسی موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز

نیروی انسانی، مانند برنامه کنترل جمعیت و بهداشت، آموزش و انتقال روش‌های صحیح کشاورزی و همچنین مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های توسعه‌ای، به عنوان کشورهای ثروتمند امروزین شناخته شوند. در دنیای امروز کشورهای عقب‌افتاده و محرومی وجود دارند که با توجه به کمک‌های میلیاردی که به آنها می‌شود؛ اما چون عوامل فقر‌آفرین در آنها ریشه‌کن نشده است، هنوز فقیر هستند. سازمان‌های دولتی و غیردولتی متعددی در جامعه و به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب برای حمایت از محرومان و فقرا ایجاد شده که به ارائه کمک‌های مستمر و موردی به این قشر وسیع از جمعیت کشور، اشتغال دارند. اگرچه آمار و اطلاعات لازم در زمینه جمعیت و خانوار تحت پوشش تمامی این سازمان‌ها و نهادها به - ویژه نهادهای غیررسمی در اختیار نیست؛ اما شواهد حاکی از گستردگی حجم عملیات نهادهای غیررسمی (عمدتاً از طریق انواع امور خیریه مذهبی از جمله وقف، مراسم خاص، وجوهات شرعی و...) دارد.

نگارنده ضمن تقدیر از تمام این نهادها و انجمن‌ها، به‌خصوص کمیته امداد امام (ره) و سازمان بهزیستی کشور که قریب به ۱۷۵۰۰۰۰ خانوار را تحت پوشش خود دارند، بر این عقیده است که جابه‌جایی درآمدها حتی به‌سوی آنهایی که قربانی فقر هستند، باعث ریشه‌کنی فقر نمی‌شود؛ بلکه فقط ممکن است علائم آن را در کوتاه‌مدت از بین ببرد؛ ولی علاج دائمی نمی‌تواند باشد. باید تا می‌توان نرخ بیکاری را پایین آورد و مهارت ایجاد کرد؛ به‌طوری که هر کس که در جست‌وجوی کار باشد، بتواند به راحتی شغل مورد نظر خود را بیابد.

اُپن‌هیم^۱ در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که: «فقر زاینده‌ی مشکلات اقتصادی است»^۲، برای مثال افزایش نرخ بیکاری و یا افزایش تعداد افرادی که دستمزد پائینی دارند، تعداد نسبی افراد فقیر را افزایش می‌دهد، وی عقیده دارد که سیاست‌های غلط دولت‌ها است که باعث کاهش ظرفیت استخدام، تضعیف قوانین استخدامی^۳ و همچنین تغییر الگوی استخدام نیروی کار می‌شوند (Oppen hiem, 1993 : 59).

سیاست‌های تشویقی دولت مبنی بر سرمایه‌گذاری و احداث

1. Oppen heim

2. Poverty As The Effect Of Economic Causes

3. The Deregulation Of Employment

4. Kohn And Schooler

5. Social -Psychological Barriers

6. Filippis

جدول ۵. درصد توزیع افراد شش ساله و بیشتر خانوارها برحسب وضع فعالیت طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۵

وضع فعالیت	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
مشاغل	۲۲/۴	۲۳/۲	۲۳/۵	۲۴/۸	۲۵/۲	۲۷/۴	۲۸/۲	۲۸/۲	۲۵/۲	۲۵/۲
بیکار	۴/۰	۴/۱	۴/۸	۵/۴	۵/۵	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲
مشمول	۳۶/۹	۳۵/۶	۳۲/۷	۲۹/۱	۲۷/۴	۲۷/۴	۲۹/۱	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸
درآمد بدون کار	۴/۵	۴/۵	۵/۴	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲
مشمول	۲۷/۲	۲۸/۰	۲۹/۱	۳۰/۰	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸
بیکار	۴/۱	۴/۶	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵
مشمول	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
زن	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱

مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمار اقتصادی.

نیست؛ بلکه عرصه‌هایی همچون مسکن، بهداشت، بیمه و تغذیه را در برمی‌گیرد. اشتغال زنان در این دسته از مشاغل، هم به معنای حل مشکل و معضل اقتصادی و هم به معنای رفع محرومیت‌هاست (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۲: ۸۲).

نتایج بررسی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در خصوص درصد توزیع افراد ۶ ساله و بیشتر خانوارها برحسب وضعیت فعالیت در سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۵ گویای آن است که در بین افراد ۶ ساله و بیشتر خانوارها، ۳۱/۴ درصد «شاغل»، ۳/۸ درصد «بیکار آ»، ۶/۸ درصد «با درآمد بدون کار»، ۲۷/۶ درصد «مشمول»، ۲۵/۲ درصد «خانه‌دار» و ۵/۲ درصد متعلق به سایر گروه‌ها بوده‌اند. طبق یافته‌های فوق سهم افراد شاغل و بیکار و افرادی که در سایر گروه‌ها طبقه‌بندی شده‌اند، در مقایسه با سال قبل کاهش و سهم افراد با درآمد بدون کار و محصل افزایش داشته است (جدول ۵).

بررسی بانک مرکزی نشان می‌دهد که در میان اعضای مذکور ۶ ساله و بیشتر خانوارها، ۳۵/۵ درصد «شاغل»، ۵/۶

این مشاغل ایجاد کنند (قانون اساسی، اصل «۲۸») همچنین یکی از مؤلفه‌های اقتصاد در جمهوری اسلامی، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور دستیابی به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل و ابزار کار در اختیار همه کسانی است که قادرند کاری را انجام دهند و شغلی را برعهده گیرند، ولی وسایل و ابزار کار ندارند (قانون اساسی، اصل «۴۳»، تبصره «۲»). البته پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی، برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تأمین بیمه، بدون مشارکت اقتصادی و شغلی زنان امکان‌پذیر نیست. براساس قانون اساسی زنان حق دارند همانند مردان از شغل برخوردار باشند. از این رو، نمی‌توان آنان را از مشاغلی که به رفع محرومیت اقتصادی مدد می‌رساند، محروم کرد، مشروط به اینکه شغلی که برمی‌گزینند با موازین اسلام مغایرت نداشته باشد. از اصل «۳۳»، تبصره «۱۲» قانون اساسی، چنین استنباط می‌شود که محدوده شغلی زنان تنها «معلمی» و مانند آن

۱. سایر شامل افراد آماده کنکور (غیر شاغل و غیر بیکار) ۶ تا ۱۰ سال (غیر محصل و غیر شاغل)، ناتوان و... است.
۲. درصد افراد بیکار با نرخ بیکاری متفاوت است.

غیرقابل تردید است. جابه‌جایی درآمدها حتی به سوی آنهایی که قربانی فقر هستند، باعث ریشه‌کنی فقر نمی‌شود؛ بلکه فقط علائم آن را در کوتاه‌مدت از بین می‌برد و این علاج دائمی نیست. در جهان امروز کشورهای رشد نیافته و عقب‌افتاده‌ای وجود دارند که با توجه به اینکه میلیاردها دلار به آنها کمک می‌شود؛ اما چون عوامل اصلی فقر در آنها ریشه‌کن نشده است، هنوز هم فقیر هستند. بنابراین فقر به عنوان یک مشکل اجتماعی، راه‌حل اجتماعی می‌طلبد و آن هم عبارت است از: ریشه‌کن کردن عوامل تقویت‌کننده آن، که در مطالب پیش گفته به آنها اشاره شد.

درصد «بیکار»، ۷/۲ درصد «با درآمد بدون کار»، ۲۷/۵ درصد «محصل» و ۶/۲ درصد مربوط به «سایر گروه‌ها» بوده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که درصد افراد شاغل، بیکار و افرادی که در سایر گروه‌ها طبقه‌بندی شده‌اند نسبت به سال قبل کاهش و درصد افراد با درآمد بدون کار و محصل افزایش داشته است. در بین اعضای مؤنث ۶ ساله و بیشتر خانواده‌ها، سهم افراد «شاغل»، «بیکار»، «با درآمد بدون کار»، «محصل» و «خانه‌دار» به ترتیب ۹/۰ درصد، ۲/۰ درصد، ۶/۴ درصد، ۲۷/۷ درصد و ۵۰/۷ درصد بوده است. سهم‌های مشابه در سال ۱۳۸۴ به ترتیب ۹/۵ درصد یک دوم درصد، ۵/۷ درصد، ۲۷/۷ درصد و ۵۰/۵ درصد بوده است.^۱

منابع:

- آهویی، هلم. (۱۳۷۱). تحلیلی بر نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران مجله روند، نشریه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۴.
- بانک جهانی. (۲۰۰۳). فقر در ایران. مترجم صابر شیبانی و منیره‌السادات کردستانی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بانک جهانی. (۱۳۸۱). گزارش توسعه سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱. ترجمه معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۶). بررسی بودجه خانوار شهری در ایران. تهران: مدیریت کل آمارهای اقتصادی.
- پدرام، محمد و زندیان، خدامراد. (۱۳۸۲). کم‌خونی ناشی از اختلال تغذیه در کودکان و مطالعه ده‌ساله در استان خوزستان. اهواز: مرکز تحقیقات تالاسمی و هموگلوبینوپاتی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور.
- جزایری، شهین. (۱۳۷۱-۱۳۷۲). منابع انسانی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، دوره اول، شماره ۴۳.
- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری. (۱۳۷۲). جایگاه زن در قانون. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
- راغفر، حسین. (۱۳۸۴). فقر و ساختار قدرت در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- رضا وفايي، یگانه، عاقلی، لطفعلی. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی فرهنگ تولید در اسلام. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره چهاردهم.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۵). گزارش طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- شیبانی اصل، صابر. (۱۳۸۳). نقدی بر گزارش آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۸). ایران امروز در آینه مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۰). مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان: انتشارات

مقایسه درصد توزیع به تفکیک جنسیت به گونه‌ای برجسته بر این حقیقت تأکید دارد که سهم مردان در بازار کار نسبت به کشورهای توسعه‌یافته چندان بالا نیست، به‌علاوه سهم زنان نیز در بازار کار به‌طور چشمگیری پایین است. میزان مشارکت زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی و تولید در دو دهه گذشته با وجود افزایش حجم زنان فعال، به دلیل موانع ساختاری بازار کار از ۱۲/۹ به ۸/۷ درصد کاهش یافته است، این نزول مغایر با سرمایه‌گذاری سنگینی است که در این مدت در زمینه ارتقاء سواد زنان صورت گرفته است (جزایری، ۱۳۷۸: ۹۴). بنابراین باید بر این نکته اذعان کرد که بدون مشارکت فعال زنان، توسعه پایدار و رشد اقتصادی در راستای برنامه ۱۴۰۰، تحقق نخواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

فقر در طول تاریخ زندگی بشر وجود داشته و دارد. اگرچه ما نمی‌توانیم تاریخ را عوض کنیم؛ اما می‌توانیم عوامل ایجادکننده فقر را حذف کنیم. آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم حذف، کاهش و کنترل عواملی است که فقر را تقویت می‌کند. فقدان سلامتی جسمانی و روانی، عدم کیفیت فرهنگی زندگی خانوادگی و فرصت‌های تحصیلی و نیز فقدان روحیه امید و سرزندگی و مشارکت اجتماعی به‌خصوص در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و همچنین عدم توزیع عادلانه درآمدها و هزینه‌ها، در ایجاد فقر

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمار اقتصادی.

Implications for Research And Policy. Hospital And Community Psychiatry 44: 951-958.

- Coultan, C.J.Chow,J. (1995). Poverty. Encyclopedia of Social Work (19th ed, vol.1. Washington, Dc).

-Downer,A.(2001) Reducing poverty.The central integrating factor of Australia's aid program.copies of publications by the aid program.

- Draine J, Salzer ms, Culhane DP, et al: (2002) Role of Social disadvantage In Crime, Jobless ness, And home less ness Among Persons With Serious Mental Illness, Psychiatric Services 53: 565-573.

- Espiritu, M. (2002), Social Worker.

- Gary, S. (1964). Human Behavior. NowYork: Harcourt, Brace, And World.

- Himmefarb, G.(1984). The Idea of Poverty England In the Early Industrial Age. London, Faber And faber.

- Mansfield, E. (1982). Education And Productivity Growth. 8th Ed, Bussiness Publications, texas.

- Mondy, W.et al. (1988). Management. Allyn And Bacon.

- Nelson, Sh. (2002). A Second Opinion, Psychiatric 53:573.

- Oppen Heim, C. (1993). Poverty: the Facts, London, Child Poverty Action Group.

- Phil, B. (2008). Factors of Poverty.The big five,workshop notes.

- Sen, A. (1988). Hunger And Entidements: Research for Action. World Linstitute for Development Economics Research, United University.

- Wilson, G. (1981). Love And Institute, London, temple Smith.

- Word Bank (2003). Iran Medium term Frame Work for Transition: Converting Oil Wealth to Development April 30.

جهاد دانشگاهی.

- فرجاد، محمد حسین . (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی کجروی‌های اجتماعی. تهران: انتشارات قوه قضائیه.

- قاسمیان، سعید. (۱۳۸۴). کاهش فقر در ایران، چالش‌ها و افق‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸). تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات مجلس.

- مرکز آمار ایران . (۱۳۸۳). محاسبه فقر در ایران در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۲. تهران: پژوهشکده آمار.

- منتظری، فرزانه و کرچی، منصور و فنیبری، محمدرضا و موسوی، سیدرضا . (۱۳۸۲). بررسی عوامل موثر بر سوء تغذیه در کودکان زیر ۵ سال مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر زاهدان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان، سال دهم، شماره ۲، شماره مسلسل ۲۸.

- هادی زنور، بهروز . (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.

- Abidoeye, Ro. Sikabofori, A.(2000), A Study of Prevalence of Protein energy malnutrition among 0-5 years in Rural Benue State Nigeria Nutr Health 13(4):235-47.

- Alexander, D.(2001). Reducing Poverty. The Central Integrating Factor of Australia is Aid Program.

- Anderson, D. (1991) The Unmentionable Face of Poverty in the Nineties: Domestic Incompetence, Improvidence and Male Irresponsibility in Low Income Families, London, Social Affairs Unit.

- Barash, P. (1981) Sociobiology: The Whisperings Within, London, Fontana.

-Brown and lauder,(2001).innovation ,skill diffusion and social exclusion.

- Cohen CI. (1993) Poverty And the Course of Schizophrenia